

نقد ناپذیری

آیا آمریکا در حال افول و واگذاری جایگاه خود به چین در آسیا است؟

تلاش برای سرپوش گذاشتن بر غروب آمریکایی

جف ام. اسمیت^۱، کارشناس مسائل جنوب آسیا و همکار پژوهشی در مرکز مطالعات آسیایی اندیشکده هریتیج، در یادداشتی که با عنوان «آیا آمریکا در حال افول و واگذاری جایگاه خود به چین در آسیا است؟»^۲ بوده و در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ در تارنمای این اندیشکده منتشر شده است (پیش‌تر این مقاله در *The Natinal Interest* در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰ قابل رؤیت بوده)، ضمن دفاع همه‌جانبه از آمریکا، افول آمریکا را بیشتر به عنوان یک شعار و یک احساس تلقی کرده و آن را یک بحث مستدل نمی‌داند و معتقد است، افرادی که در انتظار غروب آمریکا

هستند، در نهایت به این واقعیت می‌رسند که فعلاً ستاره آمریکا، در حال بلند شدن و فروغ است. نکته مهم و فراموش شده در این نوشتار، عدم واقع‌بینی نسبت به دلایل نظریه پردازان این ایده و نظرات دیگران در داخل و خارج آمریکا است که به نوعی اتخاذ این رویکرد حمایت از آمریکا، خود، مسیر افول و غروب آمریکایی را تسریع می‌کند.

«غروب آمریکایی؟»، عنوان یک گردهمایی مهم در همین اواخر بود که از من تقاضا کردند تا در این کنفرانس بین‌المللی شرکت کنم. سازمان دهندگان این کنفرانس، به بررسی تأثیرات «افول» آمریکا علاقه‌مند بودند، به ویژه تأثیر آن بر نظم امنیتی هند و اقیانوسیه؛ موضوعی که در سال‌های اخیر،

خیلی زیاد به گوشم خورده است. درک قدرتمند و خیره سرانه‌ای در هند، اقیانوسیه و در کل دنیا نفوذ کرده که قدرت و نفوذ آمریکا، در حال کاهش است. برای عده زیادی، داستان ژئوپلیتیک قرن ۲۱ با ظهور عجیب یک ابرقدرت (چین) و سقوط غمگینانه قدرت دیگری (ایالات متحده)، نوشته خواهد شد. این روایت قانع‌کننده‌ای است، اما روایتی بوده که تقریباً به طور کامل از واقعیت، به دور است. من می‌گویم «تقریباً»، زیرا حقایقی در مورد باور به افول قدرت نسبی آمریکا، حداقل در مقابل چین وجود دارد؛ از جمله درک این‌که قدرت و نفوذ ایالات متحده در حال تغییر است و ایالات متحده بخشی از رهبری خود را در حوزه‌های انتخاب، مانند تجارت جهانی، به چین واگذار کرده است؛ اما این باور گسترده تراز افول پایانی آمریکا، گمراه‌کننده نیست، بلکه یک اشتباه کهنه است.

1. Jeff M. Smith
2. Is America on the Decline and Ceding Its Position to China in Asia?



ترقی چین غیرقابل انکار است!

اول باید موقعیت را بشناسیم؛ رشد و ترقی چین غیرقابل انکار است. اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۰، ۸۰۰٪ بزرگ‌تر از اقتصاد چین بود و تا سال ۲۰۱۹، تولید ناخالص داخلی (GDP) ایالات متحده، فقط ۵۰٪ بزرگ‌تر بود. در این فاصله ۲۰ ساله، تولید ناخالص داخلی چین از ۱/۲ تریلیون دلار (کوچک‌تر از اقتصاد فرانسه)، به ۱۴/۱ تریلیون دلار رسید (بیش از ۷ برابر بزرگ‌تر از اقتصاد فرانسه). دوم، روشن است که ادراکات منطقه‌ای از قدرت و نفوذ ایالات متحده، در حال تحول است. در سال‌های اخیر، نظرسنجی‌ها در هند و اقیانوسیه، وجود جریان‌های قدرتمند احساسی را آشکار کرده است که آمریکا، بهترین سال‌های خود را پشت سر گذاشته و اکنون، چین مؤثرترین بازیگر در جنوب شرقی آسیا بوده و موازنه قدرت در حال تغییر به سمت پکن است. آن‌ها همچنین، نشان می‌دهند که موضوع پذیرش منطقه‌ای برای ایالات متحده و رئیس‌جمهور این کشور در دوره مدیریت ترامپ، کاهش داشته است؛ اما این ادراک‌ها نیز نشان می‌دهند که میزان مقبولیت چین در منطقه، در حال کاهش است. در نظرسنجی پیو در اکتبر ۲۰۱۷، اکثریت قاطع همه کشورهای هند و اقیانوسیه - که در آن‌ها نظرسنجی انجام شده است - قدرت نظامی روزافزون چین را به عنوان یک «چیز

بد» می‌پذیرند، از جمله ۹۰٪ یا بیشتر در ویتنام، ژاپن و کره جنوبی. به نظر می‌رسد که نظرسنجی پیو در دسامبر ۲۰۱۹، در سال گذشته یک موفقیت بزرگ بوده است. نظرسنجی پیو در دسامبر ۲۰۱۹ نشان داد که دیدگاه‌های مطلوب نسبت چین، به صورتی چشمگیر از سال ۲۰۱۸ کاهش داشته و به کاهش تعجب‌آور ۱۷ نمره در اندونزی و کانادا و ۱۲ نمره در استرالیا، ایالات متحده و فیلیپین رسیده است. در همان نظرسنجی، مردم منطقه در مورد این‌که آیا آمریکا «تهدید اصلی» است یا چین، به دو گروه تقسیم شدند؛ اما موضوع قابل توجه این است، تمام کشورهایی که در آن‌ها بررسی انجام شده، آمریکا را متحدی قابل اعتمادتر از چین می‌دانستند. در واقع، در همه کشورهای به جز ۲ کشور، ایالات متحده قابل اعتمادترین متحد محسوب می‌شد. البته چیزی که تعجب‌آور بود، کشورهایی مانند اندونزی، آرژانتین، هند، آفریقای

جنوبی، مکزیک، کنیا، برزیل و نیجریه بود. این نظرسنجی یک واقعیت کم‌اهمیت را نشان داد که اغلب از آن چشم‌پوشی شده است؛ هراندازه که آن‌ها عدم اعتماد خود را به آمریکا نشان می‌دهند، بسیاری از کشورها به گزینه‌های دیگر، اعتماد کمتری دارند.

کدام افول؟

اگر «طرفداران افول آمریکا» یک چیز مشترک داشته باشند، آن امر مشترک، میل به ابتدال است. اغلب، آمریکا را با عنوان «از دست دادن زمین»، «واگذاری رهبری»، «در حال عقب‌نشینی» و «در حال تنازع برای حفظ برتری خود» توصیف کرده‌اند. پشت این شعارهای توخالی، فقدان شک برانگیز داده‌ها یا شواهد قانع‌کننده وجود دارد؛ که این بیشتر یک «احساس» است تا یک بحث مستدل. در مقابل این احساسات، واقعیت‌های زمینی سرد و سخت قرار دارند. اول اینکه،

در نظر بگیرید در حالی که رشد چین غیر قابل انکار است، سهم رو به رشد آن از کیک جهانی با هزینه ایالات متحده نبوده بلکه با هزینه دیگر کشورهای توسعه یافته بوده است. سهم چین در تولید ناخالص داخلی جهان، از ۱/۷٪ در ۱۹۸۰ به ۱۵/۹٪ در ۲۰۱۸ رسیده است. در همان دوره، سهم ژاپن از تولید ناخالص داخلی جهان با ۴۰٪، از ۹/۷٪ به ۵/۸٪ اقتصاد جهانی کاهش یافت. سهم اتحادیه اروپا با ۲۶٪، از ۳۴/۶٪ به حدود ۲۲٪ افت کرد. در مقابل، سهم آمریکا از اقتصاد جهانی، تقریباً از سال ۱۹۸۰ تغییر نکرده است که ۲۵٪ تولید ناخالص جهان را در اختیار داشت.

در سال ۲۰۱۸ (تقریباً ۴۰ سال بعد)، این سهم به ۲۴/۱٪ (درواقع بزرگ‌تر) اقتصاد دنیا رسید. از دیدگاه دیگر، در میان بزرگ‌ترین توسعه اقتصادی در تاریخ جهان، اقتصاد چین، حدوداً ۱۲/۹ تریلیون دلار به تولید ناخالصی خود، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ افزوده است. در طی همین دوره زمانی، با وجود میزان رشد ملایم‌تر، اقتصاد آمریکا حدوداً ۱۱/۱ تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی خود افزوده است. علاوه بر این، رشد تولید ناخالص داخلی چین از زمان اوج خود در ۱۴/۲٪ در سال ۲۰۰۷، به طور مداوم در حال کاهش بوده است؛ در واقع تا سال ۲۰۱۲ به ۷/۹٪ کاهش داشته

که در سال ۲۰۱۸، به ۶/۶٪ رسیده است. از آنجا که اقتصاد چین سرعت خود را ازدست داده، آمریکا ابتکار عمل را در دست گرفته و در حال حاضر، شاهد طولانی‌ترین گسترش در تاریخ خود از زمانی است که بهبود اقتصاد در ژوئن ۲۰۰۹ شروع شد. در اواخر سال‌های ۲۰۰۰، اقتصاد چین چهار تا هفت برابر سریع‌تر از اقتصاد آمریکا رشد داشت، اما در حال حاضر تا حدودی به دلیل افزایش ناگهانی رشد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده - که به ۳/۱٪ در ۲۰۱۸ رسید - چین تا حدودی ۲ برابر سریع‌تر در حال رشد است.

قدرت آمریکا در هند و اقیانوسیه

آمریکا یکی از عوامل قدرت هند و اقیانوسیه است و احتمالاً، همیشه هم خواهد بود. بیش از ۳۷۰۰۰۰ نیرو و پیمانکار نظامی در هند و اقیانوسیه حضور دارند؛ به علاوه ۲۰۰۰ هواپیما و ۲۰۰ ناو جنگی و زیردریایی. جدا از بقیه نیروی نظامی ایالات متحده، ناوگان دریایی ایالات متحده در اقیانوسیه، به تنهایی هنوز بزرگ‌ترین نیروی دریایی در جهان است. در همین حال، نیروهای هوایی ایالات متحده در اقیانوسیه، دومین نیروی هوایی بزرگ در جهان است. ایالات متحده دارای ۵ ایالت هم‌مرز با اقیانوسیه و پنج متحد پیمانی در منطقه است، با یک - دو جین شرکای امنیتی اصلی، پایگاه‌های بی‌شمار دریایی و ترتیبات دسترسی.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا در هند و اقیانوسیه، با ۱/۳ تریلیون دلار بیشتر از مجموع سرمایه‌گذاری چین، ژاپن و کره جنوبی است؛ در حالی که تجارت ایالات متحده با منطقه، ۲/۳ تریلیون دلار در سال است.

مهم‌تر از همه، ردپای راهبردی و نظامی آمریکا در منطقه، در حال افزایش است نه کاهش. از زمانی که «محور آسیا» در ۲۰۱۱ اعلام شد، ایالات متحده، سطح سربازان خود در منطقه را به بیش از ۲۰۰۰۰ افزایش داده، همچنین، بعضی از پیشرفته‌ترین پلتفرم‌های جدید نیروی دریایی خود را به ژاپن انتقال داده و با کشتی‌های جنگی جدید ساحلی، به گشت‌های منظم از طریق سنگاپور افزوده است. آمریکا دستورالعمل‌های دفاعی خود را با ژاپن تجدید کرد و یک بسته دفاعی با فیلیپین امضاء نمود که به آن‌ها امکان دسترسی به ۶ پایگاه نظامی را می‌دهد. به علاوه، ایالات متحده تعهد خود را به دفاع از متحدان خود در مناطق مورد مناقشه دریای شرقی چین و دریای جنوب چین، مجدداً تثبیت کرد؛ و در حال تقویت و تجدید پایگاه‌های نظامی خود در جنوب اقیانوسیه است.

اقدام ابتکاری امنیت جدید دریایی ایالات متحده، در حال توزیع کمک امنیتی برای انتخاب شرکا در آسیای جنوبی و جنوب شرقی است. برنامه آزادی کشتیرانی

تقویت شده ایالات متحده مانعی در برابر ادعاهای غیرقانونی سرزمینی چین در دریای جنوب چین است. اخیراً، ایالات متحده اولین تمرین نظامی خود را با آسه آن و اولین کشتیرانی مشترک خود را از طریق دریای چین جنوبی با ژاپن، هند و فیلیپین انجام داد. در سال ۲۰۱۷، ایالات متحده با موفقیت، «Quad» را با شرکای کلیدی امنیتی یعنی استرالیا، ژاپن و هند احیا کرد؛ گروهی که تولید ناخالص داخلی آن‌ها بیش از ۳۰ تریلیون دلار است. اخیراً هر چهار پایتخت، ملاقات خود را به سطح وزرا ارتقا داده و در همان حال، تمرینات چهارجانبه ضد تروریسم خود را برگزار می‌کنند. همچنین، کابینه ترامپ دیدگاه جدیدی را برای نظم، مبتنی بر قانون تحت عنوان هند و اقیانوسیه باز و آزاد، ترویج کرده است؛ کنگره نیز حمایت خود را از سیاست هند و اقیانوسیه ایالات متحده از طریق قانون ابتکار عمل ثبات آسیا-اقیانوسیه در ۲۰۱۸ (ARIA)، اعلام کرده است. در همان حال، دولت ایالات متحده از اقدامات ابتکاری جدیدی برای توسعه زیرساخت شفاف و مسئول در منطقه (در میان انتقاد روزافزون از این اقدام ابتکاری) از کمر بند و جاده چین، پرده برداری کرده است. این اقدامات شامل قانون BUILD، اتحادیه جدید تأمین مالی توسعه بین‌المللی (DFC)، شبکه BLUE Dot، برنامه

حاشیه آسیا و ابتکار شفافیت هند و اقیانوسیه است. در نهایت، در آنچه احتمالاً بزرگ‌ترین داستان موفقیت سیاست خارجی آمریکا در یک نسل است، ایالات متحده به شکل موفقیت‌آمیزی رأی تعیین‌کننده بزرگ‌ترین ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم، یعنی هند را به دست آورد. در ۱۵ سال گذشته، آمریکا به طور اساسی رابطه خود را با دیگر غول جمعیتی در حال رشد آسیا، دگرگون و ارتقا داده است. از تجارت دفاعی قابل چشم‌پوشی قبل از ۲۰۰۸، هند و ایالات متحده احتمالاً روی هم رفته، امسال ۲۰ میلیارد دلار، فروش دفاعی خواهند داشت. در سال‌های اخیر، دو کشور، چندین توافق نظامی «اساسی» را امضا کرده‌اند که در انتهای قرن، غیرقابل تصور بوده است. آن‌ها تمرین سالانه دریایی مالابار را ارتقا دادند که تا ژاپن و در سال گذشته، هند را در برگیرد و ایالات متحده، اولین تمرین نظامی «سه منظوره» را برگزار کرد.

هند، هدف‌گذاری جدید آمریکا برای کسب قدرت

آمریکا، هند را به عنوان یک شرکت دفاعی عمده انتخاب کرده، همچنین، محدودیت‌ها بر صادرات اسلحه را آسان نموده و اولین کشوری است که با هند، گفتگوی «۲+۲» وزیر دفاع و خارجه را شروع کرد. این دو کشور در حال تبادل اطلاعات در مورد تحرکات نظامی چین و

«تبادل اطلاعات کشتیرانی» در اقیانوس هند هستند. آن‌ها در حال همکاری برای خاموش کردن بحران‌های منطقه‌ای در سریلانکا و جزایر مالدیو بوده و بیانیه‌های دیدگاه مشترک برای هند و اقیانوسیه را امضا کرده‌اند و کشتی‌های همدیگر را در دریا سوخت‌گیری می‌کنند؛ و در سال‌های اخیر، هند و ایالات متحده، مکانیسم‌های متنوع و جدیدی برقرار کرده‌اند، از جمله گفتگوی امنیت دریایی، گفتگوی قضائی، گفتگو در مورد امنیت داخلی، گفتگوهای امنیت سایبری، گروه کاری مشترک در مورد مقابله با تروریسم و ناوگان اجرای مأموریت بین‌نماینده‌ها برای تقویت تجارت دفاعی.

از یک دیدگاه، غروب یا طلوع می‌تواند غیرقابل تمایز به نظر برسند. من منتقدان آمریکا را به دلیل مشاهده آنچه می‌خواهند ببینند، سرزنش نمی‌کنم؛ اما با تمام اهانت و اطلاعات غلطی که می‌توانند جمع کنند، آمریکا را از هند و اقیانوسیه بیرون نخواهد کرد. افرادی که در آرزوی غروب آمریکا هستند، در نهایت باید با این حقیقت روبه‌رو شوند که ستاره آمریکا در حال بالا آمدن و فروغ است.

منبع

این متن نخستین بار در تارنمای نشریه The National Interest در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰ منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:
<https://nationalinterest.org/blog/buzz/america-decline-and-ceding-its-position-china-asia-115646>